مجله علمی پزشکی قانونی/ دوره ۱۹، شماره های ۲و ۳، تابستان و پاییز ۱۳۹۲، ۳۴۰-۳۲۹

مروری

لزوم تشکیل پرونده شخصیت در فرایند دادرسی کیفری ایران

سارا محمدیان* – **دکتر بابک محمدرضا پور****

* کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات آذربایجان‌غربی، ارومیه، ایران.
** دکترای حقوق خصوصی، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات آذربایجان غربی، ارومیه، ایران.

چکیده

شخصیت مجموعه‌ای از ویژگی‌های ظاهری و غیرظاهری رفتار یک فرد است که ثبات و جلوه‌ی بیشتری دارد و تاحدی قابل پیش‌بینی است. راجع به جبر و اختیار در بزهکاری از قدیم‌الایام اختلاف نظر وجود داشته است، عده‌ای قایل به اختیار تام بوده‌اند، گروهی معتقد به جبر تام بوده‌اند و گروه سوم ضمن رد هر دو نظریه‌ی قبل، قائل به نقش مهم بزهکار در فرایند کیفری هستند. طرفداران نظریه اخیر ضمن تاکید بر بررسی شخصیت مجرم تشکیل پرونده‌ای در کنار پرونده‌ی قضایی بنام «پرونده شناسایی شخصیت» را ضروری می‌دانند. پرونده شخصیت حاوی نتایج مطالعات و آزمایش‌های پزشکی، روان‌شناسی، روان‌پزشکی و پژوهش‌های اجتماعی درباره متهم و محکوم است. دست‌اندرکاران عدالت کیفری با مطالعه‌ی این نتایج و به طور کلی اقدامات انجام یافته، سعی در تطبیق مجازات‌ها، اقدامات تامینی و تربیتی و به طور کلی تصمیم‌های قضایی با شخصیت متهم یا بزهکار دارند.

در حقوق کیفری ایران، در برخی قوانین از جمله در مواد ۱۸، ۳۷، ۳۸، ۴۳، ۶۰، ۶۴، ۱۵۲، ۱۸۸، ... قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و ماده ۲۲۲ آیین دادرسی کیفری به طور ضمنی، و مواد ۴۷ و ۶۴ آیین‌نامه اجرای سازمان زندان‌ها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴ در مرحله اجرای مجازات حبس صراحتاً به تشکیل پرونده شخصیت اشاره شده است. بررسی‌های میدانی انجام شده در زندان‌ها و کانون‌های اصلاح و تربیت کشور گواه بر آن است که در این مرحله نیز به صورت علمی کاربردی چنین پرونده‌ای تشکیل نمی‌گردد. عوامل مختلفی مانع اعمال دقیق این تأسیس حقوقی و اتخاذ تصمیمات قضایی برمبنای شخصیت افراد در کشور ایران می‌باشد که به طور کلی می‌توان به موانع قانونی، قضایی و اجرایی اشاره کرد. تنها راه برطرف کردن این موانع نیز تلاش و همیاری قوای سه‌گانه (مقننه، مجریه و قضاییه) می باشد.

کلید واژه‌ها: ویژگی‌های شخصیت، پرونده شخصیت، مجازات‌های جزایی، فرایند کیفری، اصلاح و درمان، بازپروری.

وصول مقاله: ۱۳۹۲/۳/۲۹ تایید مقاله: ۱۳۹۲/۶/۱۰

نویسنده پاسخگو: اصفهان خیابان شهید سلمانی مجموعه مسکونی پردیس بن بست یاس(رفاه) پلاک ۵۸ – تلفن ثابت: ۰۳۱۱-۲۶۰۳۳۰۷
saramohammadein@yahoo.com

مقدمه

در قلمرو حقوق کیفری مسوولیت همواره با التزام همراه است محتوای این التزام تقبل آثار و عواقب افعال مجرمانه است، یعنی تحمل مجازاتی که سزای افعال سرزنش آمیز بزهکار به شمار می‌آید، لیکن به صرف ارتکاب جرم نمی‌توان به یکباره مسوولیت را بر دوش مقصر گذاشت، بلکه بیش از آن باید او را سزاوار تحمل این بار سنگین دانست. توانایی پذیرفتن بار تقصیر را در اصطلاح حقوقدانان «قابلیت انتساب» می‌نامند. پس اگر مجرم مدرک یا مختار نباشد مسوول اعمال خود نیست، از دیدگاه قانونی، سبب مبرا بودن مجنون یا مجبور و یا نابالغ از مسوولیت کیفری این است که

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-01]

قانونگذار شرط ثبوت مجازات را گاه به صراحت بلوغ و عقل و اختیار قرار داده است (مواد ۲۲۱، ۲۳۴، ۲۴۴، ۲۵۱ قانون مجازات اسلامی جدید) و گاه قانونگذار فقدان یا زوال کیفیات مذکور را در باب حدود از اسباب رافع مسوولیت کیفری دانسته است؛ مستند قانونگذار در این موارد حدیث مشهور نبوی رفع[1] است (۱). مجازات کسی که قابل سرزنش نیست اثر اصلاحی و ارعابی موثری ندارد و فقدان مسوولیت کسانی که با ارتکاب جرم به هر شکل خطری متوجه اجتماع کرده‌اند دلیل آن نیست که باید همواره تسلیم آنان شد بلکه جامعه حق دارد و می تواند در قبال تهدید بزهکاران غیرمسوول به یک رشته تدابیر پیشگیرانه دست بزند.

به نظر می‌رسد محکوم کردن یک مجرم بدون در نظر گرفتن سوابق و شخصیت او و اثرات اجتماعی که تحمل نموده است صحیح نیست و قاضی نباید فقط به جرم ارتکابی نظر بدوزد و عوامل روانی جسمانی اجتماعی بزهکار را فراموش کند. قاضی در برخورد با عارضه بزهکاری نباید تنها در مقام جستجوی مصداق قانونی آن باشد، بلکه او به مثابه یک طبیب، قبل از هرکاری باید درد بیمار را تشخیص داده سپس داروی مناسب و لازم را تجویز نماید و گرنه بیمار او نه تنها مداوا نمی‌شود بلکه امکان تشدید حالت و احیاناً نابودی وی شده و حتی شیوع بیماری نیز وجود خواهد داشت.

بر این اساس به منظور پی بردن به زوایای شخصیت متهم یا مجرم، تشکیل پرونده‌ای تحت عنوان «پرونده شناسایی شخصیت» در کنار پرونده قضایی که در تنظیم و تدوین آن متخصصان علوم مختلف مانند پزشک، روان‌پزشک، روان‌شناس، جامعه‌شناس، مددکار اجتماعی و... نقش اساسی دارند، از ضروریات یک دادرسی کیفری عادلانه محسوب می‌گردد، تا مقام قضایی با مراجعه به آن پرونده و اشراف بر ابعاد مختلف شخصیت بزهکار بتوانند در راستای فردی کردن رسیدگی‌های کیفری و تصمیمات قضایی، عادلانه‌ترین تصمیم را جهت بازسازگاری و یا تنبیه مجرم اتخاذ کند.

دست اندرکاران عدالت کیفری با مطالعه‌ی این نتایج و بطور کلی اقدامات انجام یافته سعی در تطبیق مجازات‌ها، اقدامات تامینی و تربیتی و بطور کلی تصمیم‌های قضایی با شخصیت متهم یا بزهکار دارند در حقوق کیفری ایران، برای تشکیل پرونده شناسایی شخصیت می‌توان به مواد ۱۸، ۳۷، ۳۸، ۴۳، ۶۴، ۶۰، ۱۵۲ ،۱۸۸ قانون مجازات اسلامی جدید، به طور ضمنی اشاره کرد و همچنین طبق ماده ۴۷ و ۶۴ آیین‌نامه اجرای سازمان زندان‌ها و اقدامات تامینی و تربیتی، تنها در مرحله اجرای مجازات حبس تشکیل چنین پرونده‌ای مورد شناسایی قرار گرفته است.

روش بررسی

روش گردآوری اطلاعات استفاده از کتابخانه‌ها و وسایل الکترونیکی مربوطه و با استفاده از مدل فیش‌برداری بوده است.

۱- مفاهیم و مبانی نظری پرونده شخصیت

۱-۱ - شخصیت

بزهکار شخصی از اشخاص جامعه است که در فرایند دادرسی نقش مهمی دارد (بند ۱ ماده ۶ قانون آیین دادرسی کیفری با فوت متهم یا محکوم علیه در مجازات‌های شخصی تعقیب موقوف می‌گردد و یا در ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی جدید با توبه متهم در جرایم حدی، در بعضی موارد حد ساقط می‌گردد)، به همین دلیل ضروری است که هر فرد را جداگانه مورد مطالعه قرار دهیم.

مرحوم دهخدا معنای لغوی شخصیت را چنین توضیح داده است:

شخصیت مجموعه‌ای از ویژگی‌های ظاهری و غیرظاهری رفتار یک فرد است که ثبات و جلوه‌ی بیشتری دارد و تا حدی قابل پیش‌بینی است؛ تا جایی که این صفات شخصیتی، فرد را از دیگران متفاوت نشان می‌دهد (۳).

بسیار از روان‌شناسان و روانکاوان علل رفتارهای انحرافی را برحسب نقص شخصیت فرد کج‌رو توجیه و تبیین می‌کنند و بر این باورند که برخی از گونه‌های شخصیت بیشتر از گونه‌های دیگر گرایش به تبهکاری و ارتکاب جرم دارند (۴).

۱-۲- عوامل سازنده سازمان شخصیت

شخصیت را می‌توان مجموعه ویژگی‌های جسمی، روانی، عاطفی و اجتماعی در افراد دانست، بنابراین آنچه به وجود آورنده‌ی این ویژگی‌ها، به شمار می‌آید، شخصیت نامیده

[1] رفع عن أمتی تسعة: ما لا یعلمون وما لا یطیقون وما استکرهوا علیه وما اضطروا الیه والخطأ والنسیان والطیرة والحسد والوسوسة فی التفکر فی الخلق.

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-01]

می‌شود. اما بدیهی است که شخصیت هر فرد حاصل تعامل و تاثیر متقابل عواملی است، بدین معنی که از یکسو عوامل محیطی، در چهارچوب امکانات و محدودیت‌های فیزیولوژیکی و ساختار توارثی، فعالیت می‌کنند، و از سوی دیگر توانایی‌های بالقوه، که عمدتاً محصول توارث‌اند، هنگامی می‌توانند شکوفا شوند و از قوه به فعل درآیند که محیط مناسبی برای شکوفا شدن داشته باشند.

فروید که او را به پدر نظریه های مربوط به شخصیت لقب داده‌اند، شخصیت آدمی را مرکب از سه سیستم می‌داند:

۱- نهاد[۲]، که تابع اصل لذت و خوشی است (غرایز[۳]) ۲- من[۴]، که از اصل واقعیت تبعیت می‌کند و بخش منطقی و عقلانی شخصیت آدمی است (اصل واقعیت) ۳- من برتر[۵]، که جنبه وجدانی و اخلاقی شخصیت آدمی است که نمودار شخصیت اجتماعی است (ارزش ها[۶] و کمال مطلوب)؛ این سه سیستم فوق الذکر ظاهراً جدا از هم به نظر می‌آیند ولی واقعیت این است که با هم کار می‌کنند و رفتار آدمی تقریباً نتیجه عمل هر سه آنهاست (۵).

روان‌شناسان تبهکاری را به مسایل شخصیتی و مساله سازگاری یا عدم سازگاری فرد با هنجارهای اجتماعی منسوب می‌کنند در نظریه‌های روانکاوی، جرم به عنوان گونه-ای بیماری روانی در نظر می‌آید که از نابسامانی‌ها در یکی از لایه‌های سه گانه شخصیت فرد و یا روابط آنها با یکدیگر پدید می‌آید، روان‌شناسان مکتب فروید معتقدند زمانی رفتار مجرمانه پیش می‌آید که "نهاد" نظارت ناپذیر و بسیار فعال در ترکیب با "من برتر" کم فعالیت ظاهر می‌شود؛ حال آنکه در این میان "من" بی‌تفاوت می‌ماند و در راهنمایی رفتار فرد نقشی ایفا نمی‌کند. عدم توازن بین "نهاد و من برتر" در کودکی، که در اثر شرایط ناسالم و نامطلوب اجتماعی به وجود می‌آید، فرد را به طرف تبهکاری سوق می‌دهد (۶).

۳-۱- اختلال شخصیت

در محیط زیست اگر شرایط محیطی آن طور که باید و شاید فراهم باشد، شخصیت فرد به طور عادی و طبیعی قوام گرفته و قدرت انطباق و سازش پیدا می‌کند. شخصی که زندگی را دوست بدارد، منطقی، خلاق و خوش‌بین باشد و بتواند میان امیال و آرزوهای خود با مقدورات جامعه هماهنگی و سازش ایجاد کند؛ به او «انسان سالم» می‌گویند. امّا در هر جامعه‌ای همواره افرادی پیدا می‌شوند که دارای اختلال‌های شخصیتی بوده و بدون آنکه بخواهند، نمی‌توانند با هنجارهای اجتماعی سازگاری پیدا کنند. اختلالات شخصیت شامل طیف بسیار متنوع از انواع رفتارهای غیرانطباقی، از سلطه‌پذیری مفرط گرفته تا رفتار ضداجتماعی وحشیانه را در بر می‌گیرد. برخی از این ناسازگاران جامعه را روان‌رنجور[۷] یا جامعه ستیز[۸] و رفتارشان را ضداجتماعی می‌خوانند. اینان با شیوه‌های گوناگون و علل مختلف، رفتارهایی از خود بروز می‌دهند که در مقایسه با سلوک و رفتار افراد سالم جامعه، غیرعادی است و در نتیجه‌ی اعمال آنان است که جامعه آسیب می‌بیند.

در اغلب موارد، رفتار غیر عادی، رفتار شخصی می‌تواند باشد که مبتلا به یکی از بیماری‌های شناخته شده‌ی شخصیتی باشد و تحت تأثیر همین نارسایی سازمان شخصیتی، دارای رفتاری نابهنجار شده است؛ در غیراینصورت نابهنجاری کرداری، علتی غیر از علل روانی خواهد بود. لذا لازم است انواع مختلف اختلال‌های شخصیت را بشناسیم (شخصیت اسکیزوییدی[۹]، سیکلوتیمی[۱۰]، هیستریکال[۱۱]، پارانوئیدی[۱۲]، وسواسی[۱۳]، هیجانی و بی‌ثبات[۱۴]، کژخو و ضداجتماعی[۱۵]) مقصود از اختلالات شخصیت الگوهایی از رفتار غیرانطباقی است. هنگامی که ویژگی‌های شخصیت چنان انعطاف‌ناپذیر و غیرانطباقی شوند که کارکرد فرد را به میزان چشمگیری مختل کنند، در این صورت به اختلال‌های شخصیت تبدیل می‌شوند، اختلال‌های شخصیت در واقع شیوه‌های نارسا و نامناسبی برای حل مسأله و کنار آمدن با فشار روانی هستند، اغلب در اوایل نوجوانی بروز می‌کنند و در سراسر بزرگسالی ادامه می‌یابند.

2- Id

۳- مکانیسم های نیاموخته ثابتی که برای نیازمندیهای جانوران هستند.

4- Ego

5- Super Ego

۶- ارزش ها انواع گوناگون واقعیات و امور هستند که احتیاجات انسان را برآورده می کنند،به عبارت دیگر ارزش ها واقعیات مرجع هستند.

7- Personality disorders

8- Psychopath= anti-social

9- schizoid

10- siklotimi

11- hysterical

12- paranoid

13- compulsion

14- emotional-instability

15- anti social

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-01]

اختلال‌های شخصیت اصولاً اختلال‌هایی هستند، که در گرایش فرد به درک کردن و پاسخ دادن به محیط به شیوه‌های ناسازگارانه انعکاس می‌یابند (۶).

۴-۱- شخصیت کژخو و ضد اجتماعی

هر جا سلوک و رفتاری از شخصی مشاهده شود که ممکن است به نحوی نظم اجتماع را در هم بریزد، دخالت نیروی انتظامی و نمایندگان قانون پیش می‌آید. پس نیروی انتظامی که مسوول مستقیم حفظ نظم و دادگستری که مسوول اجرای قانون می‌باشند با افراد ضد اجتماعی بی‌شماری مواجه می‌گردند. لذا لازم است قضات و نیروی انتظامی آشنایی اجمالی با انواع سلوک و رفتارهای ضد اجتماعی داشته باشند تا بتوانند تصمیمات درستی را در مواجهه با اینگونه افراد اتخاذ نمایند تا جامعه از مضار اعمال خلاف آنان ایمن باشد.

در تعریف خود ضداجتماعی آمده است که: «فرد ضد اجتماعی کسی است که فاقد ظرفیت و قدرت پذیرش و انطباق با معیارهای اخلاقی محیط و اجتماع خویش باشد». (۱) موقعیت خانوادگی و اجتماعی، (۲) کاستی‌های یادگیری، (۳) عوامل ژنتیکی، (۴) کژکاری‌های فیزیولوژیکی در دستگاه عصبی مرکزی؛ چهار منبع بالقوه در ایجاد رفتار ضد اجتماعی هستند. شاخص این اختلال، نوعی عدم حساسیت و بی‌تفاوتی نسبت به حقوق دیگران که با دروغ گفتن، دزدی کردن، تقلب کردن، و چیزهای بدتر از آن مشخص می‌شود. در حالی که افراد مبتلا به مشکلات روانی دیگر می‌توانند ناخوشایند باشند، تماس با شخصیت‌های ضداجتماعی کاملاً خطرناک است، زیرا بسیاری از آنها مجرمان تمام عیار هستند. از آنجایی که تعداد این افراد کم نیست، علاوه بر مشکل روانی، مشکلات اجتماعی و قانونی زیادی را به وجود می‌آورند (۷).

۵-۱- تاثیر اختلالات شخصیت بر مسوولیت کیفری

هیچ یک از انواع مختلف اختلال‌های شخصیت مثل اختلال شخصیت اسکیزوییدی، سیکلوتیمی، هیستریکال، پارانوییدی، وسواسی، هیجانی و بی‌ثبات، کژخو و ضداجتماعی، رافع مسوولیت کیفری نمی‌توانند باشند، یعنی افراد با شخصیت‌های غیرعادی تا زمانی که دچار تجزیه کامل شخصیتی (شیزوفرنی[۱۶]) نشده‌اند، قادر به انجام امور مربوط به خود می‌باشند قدرت اراده و تمیز در آن‌ها طبیعی بوده و می‌توانند خوب و بد و حسن و قبح را از هم تشخیص دهند. در نتیجه مسوول کلیه اعمال خود نیز هستند؛ اما ممکن است در بعضی موارد این اختلالات، اراده و تمیز فرد بزهکار را به حدی تحت تاثیر قرار دهد که قدرت اراده عادی وی را به هم بزند که در این موارد قاضی دادگاه، می‌تواند در مجازات وی تخفیف قایل شود یا تبدیل به مجازاتی از نوع دیگر که مناسب‌تر به حال او باشد نماید، بند ۵-۳ ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی جدید (۸). ممکن است بنا به مورد، در مواردی به طور کلی از مسوولیت کیفری، مبرا گردند و آن حالتی است که اختلالات شخصیتی این افراد عنوان جنون پیدا کندکه حکم مساله را قانونگذار صراحتاً در ماده ۱۴۹ قانون مجازات اسلامی جدید (۹) و مادتین ۸۸ و ۹۵۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ معین کرده است.

۶-۱- پرونده شخصیت

پرونده شخصیت از دستاوردهای جرم‌شناسی بالینی است، یکی از مهم ترین وظایف جرم شناسی بالینی، تعیین طرق معالجه بزهکار بر مبنای ویژگیهای جسمی و روانی و روحی او و درجه ابتلای او به نابهنجاری‌های اجتماعی است و با این ترتیب از تکرار جرم نیز می توان جلوگیری به عمل آورد (از طریق اهتمام در مراقبت و نگهداری مجرمین). به عبارت دیگر، جرم شناسی بالینی با استفاده از سایر علوم مرتبط توانایی و اصلاح پذیری فرد بزهکار را اندازه‌گیری نموده و یا در مورد افرادی که حالت خطرناک دارند، درجه‌ی انحراف و خطرناک بودنشان اندازه‌گیری می‌شود و تجویز لازم جهت درمان بیماری آنان به عمل می‌آید (۱۰).

در پرونده شخصیتی سعی در بررسی جرم نیست بلکه شناخت کلی مجرم مطرح است، که می‌تواند قاضی را در اتخاذ یک مجازات متناسب برای اصلاح و درمان مجرم یاری دهد که گامی مهم در راستای اصل فردی کردن مجازات‌ها و رعایت انصاف و عدالت در دادرسی کیفری می‌باشد که از آن به سیاست عدالت ترمیمی[۱۷] یاد می‌شود.

۱۶- *(Schizophrenia) اختلال روانی مزمن است که با از دست دادن همگامی اجتماعی، خودگرانی،دمدمی مزاجی و انجام کار بی جا و غیرمقتضی مثلاً به علت وهم و خیال و فریب و دلخراشی بی اساس مشخص می شود.*

۱۷ - فرایندی است که تا حد ممکن آنانی را که در جرم خاصی نقش داشته اند و نیز ضررها و نیازها و الزامات بزه دیدگان را برای درمان و جبران آنها در بر می گیرد.

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-01]

پرونده شخصیت بزهکاران از نظر اصولی بایستی با شروع بازپرسی توسط تیمی مرکب از روان‌پزشک، پزشک عمومی، روان‌سنج، روان‌شناسی کلینیکی، مددکار اجتماعی و متخصصین علوم اجتماعی با بررسی وضعیت جسمانی، فردی، اجتماعی و روانی متهم یا محکوم صورت گیرد (ماده ۲۰۳ لایحه آیین دادرسی کیفری) و تنها از این طریق است که کشف ارتباط میان ساختمان فکری مجرم، رشد عاطفی و زیستی او و جرم ارتکابی امکان‌پذیر می‌گردد و متعاقب آن است که شناسایی عوامل جرم‌زا و نحوه برخورد با آنها محقق خواهد شد (۱۱).

مجموعه تحقیقات و بررسی‌ها و آزمایش‌هایی که برای شناخت شخصیت بزهکاران و تشکیل پرونده شخصیت به کار می‌رود، ابسرواسیون[18] نامیده می‌شود. در نظام‌های حقوقی ابسرواسیون ممکن است قبل از دادرسی در (مرحله تحقیقات مقدماتی) ماده۲۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری به منظور شناسایی حالت خطرناک و متناسب نمودن کیفر با شخصیت بزهکار در جهت اتخاذ روش مناسب برای اصلاح و تربیت و یا درمان بزهکار یا (ضمن محاکمه در دادگاه و یا بعد از صدور حکم محکومیت) انجام گیرد، ماده ۴۲ و۶۴ آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تامینی و تربیتی به منظور شناسایی شخصیت بزهکاران و طبقه بندی زندانیان.

معمولاً نکات مهمی که بایستی در پرونده شناسایی شخصّیت آورده شود عبارتند از: ۱) ساختمان بدنی و جسمی و زیست‌شناسی متهم ۲) نتیجه معاینه‌ی وی از نظر روحی و روانی و انحرافات ۳) وضع اخلاقی و خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی و چگونگی تعلیم و تربیت متهم؛ برای نیل به این نکات باید اقدامات زیر انجام گیرد: الف) پر نمودن ورقه‌ی تحقیق و پژوهش که اولین سند شناسایی شخصّیت فرد مورد آزمون است به وسیله مددکاران اجتماعی ب) پزشکان متخصص آزمون شونده را از نظر بررسی وضع سلامتی و ابتلاء به بیماری‌های گوناگون از جمله آمیزشی و همچنین اعتیاد والدین به مواد مخدر و الکل و تمایلات جنسی و غدد مترشحه داخلی که در رشد مؤثرند، مورد بررسی قرار می‌دهند. ج) روان پزشک، متهم را از جهت ضایعات عضوی در اعصاب و مغز و ثبت امواج الکتریکی سلول‌های عصبی مغز، مورد آزمایش قرار می‌دهد. د) آزمایش‌های روان‌شناسی و روانکاوی، برای تجزیه و تحلیل طرز تفکر، روحیه، تعیین میزان هوش و استعداد آزمون شونده که توسط متخصصین به عمل می‌آید (۱۲). آزمایشات مختلف دیگر از جمله رادیوسکوپی، رادیوگرافی، میزان حجم هوای ریتین، فشار خون، ضربان قلب، تعیین گروه خون، نیروی عضلانی و ... از جمله آزمایشات در جرم شناسی بالینی است (۱۳).

۲- آثار پرونده شخصیت در فرایند دادرسی کیفری ایران

در نظام حقوقی ایران بررسی و تحقیق پیرامون ابعاد شخصیت متهم یا محکوم علیه توسط شخص قاضی و عنداللزوم ضابطین دادگستری، آن هم ضمن پرونده کیفری صورت می‌گیرد؛ اما در مراحل کشف جرم، تحقیقات مقدماتی، تعقیب جرم و دادرسی به معنای خاص که همان صدور حکم است پرونده‌ای تحت عنوان پرونده شخصیت به صورت مستقل و جدا از پرونده کیفری وجود ندارد و قانون گذار با بی‌تفاوتی کامل نسبت به آن گذشته است، و لیکن مواد مختلفی در مقررات کیفری ما وجود دارد که هر یک از آنها به نوعی به این شناخت ربط پیدا می‌کنند در ذیل به صورت موردی به بعضی مواد اشاره خواهد شد.

۱-۲- مرحله تحقیقات مقدماتی

الف)مرحله تعقیب: اگرچه قانون اصلاحی سال ۱۳۸۱ بحث راجع به «اقتضای تعقیب» را به سکوت برگزار نموده است، لیکن در لایحه جدید آیین دادرسی کیفری با لحاظ تقریبی همان شرایط مندرج در ماده ۲۲ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب تیر ماه ۱۳۵۶ نهاد «تعلیق تعقیب» پیش‌بینی شده است (۱۴)، این ماده برای صدور قرار تعلیق تعقیب، شرایطی را مقرر نموده که عبارتند از: ۱- اقرار مقرون به واقع توسط متهم، ۲- فقدان سابقه محکومیت کیفری موثر، ۳- فقدان شاکی خصوصی یا استرداد شکایت از سوی او، ۴- جنحه‌ای بودن اتهام متهم، ۵- عدم پیش بینی اتهام در باب دوم قانون مجازات عمومی (۱۵). همان‌طور که ملاحظه گردید، نهاد تعلیق تعقیب نیز از جمله مواردی است که اختیار مقام تعقیب یعنی دادستان بوده و معیار اصلی، استفاده از آن در دادرسی عادلانه و تامین کننده دفاع اجتماعی، در نظر

18- Observation

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-01]

گرفتن «شخصیت متهم» می‌باشد که آن نیز ممکن نیست مگر آنکه در کنار پرونده قضایی متهم «پرونده شناسایی شخصیت» نیز در دادسرا تشکیل شده باشد تا دادستان با درنظر گرفتن آن و لحاظ شخصیت متهم تصمیم متناسب مبتنی بر اعمال «تعلیق تعقیب» یا عدم استفاده از آن اتخاذ نماید (ماده ۸۱-۸۰ لایحه جدید آیین دادرسی کیفری).

ب)مرحله تحقیق: با عنایت به اینکه مرحله تحقیق و بازجویی از وظایف قضات دادسرا بوده و هدف از این مرحله جمع‌آوری دلایل و اسناد و مدارک برای احراز بزهکاری متهم و در صورت لزوم صدور قرار مجرمیت یا کیفرخواست از سوی دادسرا می-باشد باید بر این بود که تحقیق و بازجویی از افراد با شخصیت‌های غیرعادی باید به طور فنی و علمی و با استمداد از مددکاران اجتماعی و روانکاوان و دیگر متخصصین انجام بگیرد. زیرا بسیار بدیهی است که بازجویی از یک فرد سادیست یا شخصی که انحراف میل به دزدی دارد با اشخاصی با شخصیت‌های طبیعی و عادی بایستی تفاوت داشته باشد.

لزوم اجرای مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی، متنبه کردن متهم و دیگران، حفظ نظم عمومی و رعایت حقوق بزه‌دیدگان می‌تواند در بعضی موارد، قانونگذار را بر آن دارد تا به مقامات قضایی اجازه دهد که پیش از تعیین تکلیف نهایی موضوع اتهام و صدور حکم قطعی محکومیت، بعضی از آزادی‌های متهم را سلب کنند و یا محدودیت‌هایی برای او به وجود آورند. با توجه به مباحث فوق مبرهن است که توجه به شخصیت متهم در صدور قرار تأمین بسیار حایز اهمیت می‌باشد. چرا که مقام تحقیق پس از تفهیم اتهام به منظور تضمین حضور به موقع متهم در مواقع لزوم و جلوگیری از فرار او، ناچاراً بایستی با صدور قرار تأمین مناسب، این مهم را تأمین کند و امکان آن میسر نیست، جز آشنایی با شخصیت متهم.

در حقوق ایران قانونگذار طی مواد ۱۳۲ و ۱۳۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸، شش نوع قرار تامین پیش‌بینی کرده است، قانونگذار ایرانی علی‌رغم اینکه به لزوم توجه به شخصیت متهم و تبعاً تشکیل پرونده شناسایی شخصیت متهم به خوبی واقف بوده است، متأسفانه تشکیل پرونده شناسایی شخصیت را در این مرحله پیش‌بینی ننموده و تنها به موجب ماده ۱۳۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸، لزوم توجه قاضی به شخصیت متهم در هنگام صدور قرار تأمین را متذکر گردیده است.

۲-۲ -*مرحله تعیین مجازات*

الف)اصل فردی کردن مجازات‌ها: اصلاح و درمان بزهکار، از جمله کارکردهای فایده‌گرای ضمانت اجرای کیفری محسوب می‌شود که در واقع پس از تولد جرم‌شناسی و گسترش مطالعات و یافته‌های آن، مورد توجه نظام کیفری قرار گرفت. اصلاح بزهکار یعنی: لحاظ مجرم در فرایند عدالت کیفری به منظور متناسب کردن پاسخ کیفری با نیازهای روانی، جسمانی و اجتماعی او. در این دیدگاه، جهت‌گیری کلی مجازات از جنبه تنبیهی صرف، به جنبه درمانی تغییر می‌کند و نوع آسیب‌های شخصیتی بزهکار، معیار اصلی واکنش عدالت کیفری به جرم می‌شود و سخن از «پاسخ فردی شده» یا به طور کلی «عدالت کیفری شخصی شده» به میان می‌آید. بدین سان است که در کنار پرونده قضایی و پلیسی مرتکب جرم، «پرونده شخصیت» او از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌گردد. تشکیل پرونده شخصیت بزهکار، یعنی در گذشتن از جنبه‌های صرف حقوقی بزه برای لحاظ جنبه‌های انسانی جرم با مطالعه گذشته خانوادگی، تحصیلی، حرفه‌ای، روانی و جسمانی مرتکب آن، انگیزه ارتکاب جرم، رابطه بزهکار با بزه دیده، شرکا یا معاونان احتمالی، اقدام‌های مجرم پس از ارتکاب جرم نسبت به بزه دیده، حالت عمومی بزهکار پس از وقوع جرم و ... (۱۶).

شخصیت بزهکار به فنون و روش‌های مختلف مانند برق‌نگاری مغزی (الکترو آنسفالوگرافی)، تست‌های (آزمون-های) فرافکنی، پیمایش‌های خانوادگی، تحصیلی، فرهنگی و اجتماعی و ... برآورد می‌شود و خصوصیات موردی آن در غالب نظریات مشورتی متخصصان بالینی خطاب به: ۱- قضات دادگاه به منظور فردی کردن قضایی کیفر یا اقدام تأمینی۲- زندانبان درصورتی که واکنش از نوع سالب آزادی باشد با هدف فردی کردن اجرایی کیفر سالب آزادی، در «پرونده شناسایی شخصیت» مرتکب جرم جمع‌آوری و ثبت می‌گردد.

به طور خلاصه می‌توان گفت مفهوم و محتوای اصل فردی کردن مجازات‌ها عبارت است از: شناخت شخصیت مجرم و انطباق مجازات با شخصیت وی به منظور تأمین اهداف سزادهی، ارعابی، اصلاح مجرمین و اجرای عدالت و انصاف قضایی.

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-01]

ب) نهاد تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات: طبق ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی جدید دادگاه می تواند جرایم موجب تعزیر درجه شش تا هشت را پس از احراز مجرمیت متهم با ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است با توجه به شرایطی که در متن قانونی نام برده شده است، صدور حکم را از شش ماه تا دو سال به تعویق اندازد و همچنین تأسیس حقوقی تعلیق اجرای مجازات که در ماده ۴۶ قانون مارّالذکر با شرایطی بیان شده است (۱۷). این دو نهاد حقوقی هم وسیله ابراز عطوفت نسبت به مجرمی است که برای اولین بار مرتکب جرم شده است و هم مانند کیفیات مخففه یکی از طرق تطبیق مجازات با شخصیت مجرم به شمار می‌آید. این نهاد یکی از ارکان سیاست جنایی است که برای جلوگیری از تکرار جرم و جلوگیری از به وجود آمدن مجرمین اعتیادی و درمان و اصلاح بعضی از مصادیق افراد دارای شخصیت خاص و غیر عادی، مطرح گردیده است. همین فلسفه و مبانی ضرورت وجود پرونده شناسایی شخصیت بزهکار در کنار پرونده قضایی او را توجیه می‌کند. چرا که تا مقام قضایی، اشراف کافی بر ابعاد مختلف شخصیت مجرم نداشته باشد، نمی‌تواند از این نهاد استفاده بهینه و مفید در راستای اصلاح و بازسازگاری مجرم نماید.

ج) نوسان مسولیت کیفری با توجه به شخصیت بزهکار: گاهی شرایط ارتکاب جرم یا خصوصیات روانی و اجتماعی مرتکب به نحوی است که اقتضا دارد که مجازات خفیف‌تری بر او تحمیل شود. حقوقدانان علل و کیفیات مخففه را به دو دسته قانونی و قضایی تقسیم کرده‌اند (۱۸) در کیفیات مخففه قانونی خود قانونگذار بنا به مصالحی مجازات‌ها را تخفیف می‌دهد و یا اجرای آن را به تعلیق در می‌آورد. اما در «کیفیات مخففه قضایی» قانونگذار به قاضی دادگاه اجازه می‌دهد با بررسی شخصیت متهم و کیفیات وقوع جرم که آن نیز حاکی از شخصیت اوست، مجازات را تخفیف دهد (۱۹).

در قانون مجازات اسلامی جدید در بند پ و ث ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی جدید در جرایم تعزیری و بازدارنده اشاره به (اوضاع و احوال موثر در ارتکاب جرم، از قبیل رفتار یا گفتار تحریک‌آمیز بزه‌دیده یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب آن، ندامت، حسن سابقه و یا وضع خاص متهم از قبیل کهولت یا بیماری) کرده است و در حدود می‌توان جهت اعمال تخفیف به ماده ۲۶۵ در شرب خمر، ماده ۲۸۶ در محاربه، ماده ۲۷۶ در سرقت و در قصاص مواد ۳۰۱ و ۳۸۱ و ۳۸۲ و ۴۲۳ را نام برد.

گاهی اوقات عمل مجرمانه مستلزم خطر بیشتری برای جامعه است و یا احساسات عمومی را بیشتر جریحه‌دار می‌کند و یا اینکه شخص مرتکب، واجد اوصافی است که مجازات شدیدتری برای وی لازم به نظر می‌رسد. علل و موجبات تشدید به دو دسته عینی و شخصی تقسیم می‌شوند، در علل عینی اوضاع و احوال خارجی و نوع جرم و میزان خطری که برای جامعه ایجاد می‌کند مورد بررسی قرار می‌گیرد که در واقع این اوضاع و خطر تابعی از شخصیت بزهکار است و علل شخصی، خصوصیات و کیفیات فردی و در نهایت شخصیت مرتکب، باعث تشدید مجازات می‌گردد.

علل عمومی تشدید مجازات‌ها، تعدد و تکرار است. زیرا تکرار جرم و ارتکاب جرایم متعدد، نشانگر وجود حالت خطرناک در مرتکب آن است و در تکرار جرم فرض بر این است که مجازات قبلی در مرتکب مؤثر واقع نشده، اهداف ارعابی– اصلاحی مجازات تأمین نشده است. فلذا بایستی برای بزهکار مجازات شدیدتری اعمال گردد. در عین حال قضات با بررسی خصایص فردی تکرار کننده جرم، مجازات مشدّد متناسب با شخصیت او تعیین و اعمال می نمایند. در قانون مجازات اسلامی جدید قانونگذار در فصل پنجم از ماده ۱۳۱- ۱۳۹ به موارد تعدد و تکرار پرداخته است.

۳-۲- اجرای مجازات با توجه به شخصیت بزهکار

مورد توجه قانونگذار بوده است؛ ولی تنها در مرحله نهایی یعنی اجرای حکم است که تشکیل پرونده شناسایی شخصیت الزامی گردیده است به عبارت دیگر، در ایران تشکیل پرونده شناسایی شخصیت، اصولاً پس از محکومیت است نه در مرحله اتهامی (۲۰).

الف) آزادی مشروط: شروط اعطای آزادی مشروط به شرحی که قانونگذار در ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی جدید تعیین کرده به این قرار است: الف- محکومیت اول ب- گذراندن قسمتی از مجازات در زندان ج- دلیل اصلاح د- مصونیت جامعه هـ- جبران صدمه و خسارت

اولین شرطی که قانونگذار برای اعطای آزادی مشروط پیش‌بینی کرده است این است:

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-01]

«(زندانی) در مدت اجرای مجازات، مستمراً حسن اخلاق نشان داده باشد.» بدیهی است اعطای آزادی مشروط تنها در مورد کسانی که اصلاح شده و بتوانند وارد جامعه شوند، صورت می‌گیرد.

برای تشخیص این که آیا اصلاح متهم به نحو کافی انجام پذیرفته و اعطای آزادی مشروط به وی، مقرون به اصلاح است یا نه، تنها به ظواهر رفتار متهم در زندان که عملاً تنها مورد بازرسی و قضاوت نگهبانان زندان قرار می‌گیرد، اکتفا نکنیم. هیاتی از افراد متخصص در امور روانی و اجتماعی را مامور رسیدگی به شکل تحولات شخصیت زندانی کنیم و از آن‌ها بخواهیم زندانیان را که می‌توانند از آزادی مشروط استفاده کنند، تعیین نمایند، به فلسفه اعطای آزادی مشروط نزدیک‌تر خواهیم بود.

به این ترتیب شرط دومی که قانونگذار برای اعطای آزادی مشروط قایل شده، این است که: «از اوضاع و احوال محکوم پیش‌بینی شود که پس از آزادی دیگر مرتکب جرمی نخواهد شد». که این شرط نیز قابل پیش‌بینی نیست مگر پس از مراجعه به «پرونده شناسایی شخصیتی» که حاصل اظهار نظر متخصصین علوم پزشکی، روان‌پزشکی، روان‌شناسی، مددکاری اجتماعی و ... در خصوصی مجرم می‌باشد.

ب) رابطه شخصیت بزهکار با پذیرش عفو خصوصی: در ماده ۲۴ آیین‌نامه کمیسیون عفو و تخفیف مجازات محکومین مصوب ۱۳۸۷ مذکور که در مقام بیان شرایط و سیاست‌های عفو، تخفیف و تبدیل مجازات می‌باشد به مساله «اصلاح مجرم» و توجه به «شخصیت محکومٌ علیه» و خانواده وی اشاره شده است. بنابراین ملاحظه می‌گردد که اعضای کمیسیون‌های استانی و مرکزی رسیدگی کننده به وضعیت متقاضیان عفو در صورتی می‌توانند تصمیمی عادلانه و مناسب در راستای دفاع اجتماعی و اصلاح مجرمین گرفته و از این تأسیس حقوقی استفاده بهینه نمایند که ابتدا «شخصیت مجرم» را بشناسند و آن نیز ممکن نخواهد بود مگر با وجود پرونده شناسایی شخصیت در کنار پرونده قضایی، تا این مسئولین با مراجعه به آن پرونده و اشراف بر ابعاد مختلف شخصیت بزهکار، تصمیمی مناسب با آن شخصیت اتخاذ نمایند.

ج) طبقه‌بندی زندانیان با توجه به شخصیت بزهکاران: قانونگذار تنها در مرحله اجرای مجازات حبس به منظور شناسایی زندانیان جهت طبقه‌بندی آنان، تشکیل پرونده شناسایی شخصیت را ضروری دانسته است.

ماده ۴۷ آیین‌نامه جدید مصوب ۱۳۸۴/۹/۲۰ نیز مقرر می‌دارد: «واحد پذیرش و تشخیص محلی است برای پذیرش، بررسی و شناخت شخصیت محکومان و متهمان که زیر نظر مسئول مربوط انجام وظیفه می‌نمایند». به همین منظور در هر زندان قسمتی به نام تشخیص به منظور شناخت شخصیت زندانیان و طبقه‌بندی آن‌ها، با استفاده از خدمات کارشناسان متخصص تشکیل می‌گردد که تهیه و تنظیم پرونده شناسایی شخصیت زندانی به عهده این قسمت است. در ماده ۶۴ این آیین‌نامه محکومان حداکثر دو ماه در قسمت پذیرش باید تحت آزمایش‌هایی از قبیل پزشکی، روان‌پزشکی، آزمون‌های روان‌شناسی و شناخت شخصیت و استعداد قرار بگیرند تا میزان سلامت جسمانی، روانی و معلومات و اطلاعات مذهبی و علمی و فنی آنان در جهت شناخت شخصیت بررسی و تعیین گردد. ضمن این که مددکاران اجتماعی طبق فرم‌های تنظیمی که بر اساس موازین اسلامی توسط سازمان تهیه می‌شود در خصوص پیشینه زندگی محکومان از دوره طفولیت در محیط‌هایی مانند خانواده، مدرسه، محل کار و ... تحقیقاتی انجام داده و گزارش کاملی با اظهار نظر خود تهیه می‌نمایند.

پس از اتمام اقدامات فوق که حداکثر دو ماه به طول می‌انجامد، تمامی اطلاعات در پرونده زندانی متمرکز می‌شود تا در شورای طبقه‌بندی مطرح گردد.

۳- موانع عملیاتی شدن پرونده شخصیت

در سیستم حقوق ایران دشواری‌هایی در مسیر اجرای این طرح (شناسایی شخصیت متهم یا مجرم حسب مورد، تشکیل پرونده شناسایی شخصیت و نهایتاً اتخاذ تصمیم و پیشنهاد در خصوص متهم یا مجرم بر اساس آن) وجود دارد که در ذیل به مهمترین آنها اشاره می‌شود.

۱-۳- موانع قانونی :۱- عدم الزام قانونی به تشکیل پرونده شناسایی شخصیت ۲- عدم تنوع در ضمانت اجراهای کیفری

۲-۳- موانع قضایی: ۱- ضعف آموزشی، غفلت دستگاه قضایی از اهمیت موضوع ۲- انتصاب‌های کارشناسی نشده و غیرعلمی۳- تراکم پرونده‌های کیفری و تالی فاسد آن در فردی کردن تصمیمات قضایی

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-01]

۳-۳- *موانع اجرایی*: ۱- کمبود اعتبارات مالی۲- نبود آزمایشگاه‌های مجهز به تکنولوژی روز و افراد متخصص
بنابراین قوای سه‌گانه بایستی طی طرحی با زمان بندی مناسب در خصوص حل این معضلات اقدام مناسب نمایند.

نتیجه‌گیری

جهان امروز فاقد نظم و تعادل دقیق در زیست فردی و اجتماعی است، چنانچه انسان امروز نیز از عدم تعادل جسمی و روانی رنج می‌برد و از تعادل شخصیتی برخوردار نیست. هم اکنون بشر از این بابت غرامت سنگینی می‌پردازد. اثر این نابسامانی و عدم تعادل به صورت‌های گوناگونی در فرد و جامعه و به گونه بیماریهای روحی و روانی از سویی و جرایم مختلف از سویی دیگر خود را نشان می‌دهد. هزینه‌های بسیاری که سالیانه به منظور جلوگیری از جرایم و جنایات و یا تعقیب مجرمان و محکومیت و کیفر آن‌ها جامعه صرف می‌کند و یا برای درمان افسردگی‌ها، اضطراب‌ها و دیگر بیماری‌های روحی و روانی پرداخته می‌شود، رقم سرسام آوری را تشکیل می‌دهد، افزون برآن که جامعه انسانی را از هدف اصلی دور ساخته و موجب می‌شود تا فرد و جامعه از محیط سالم برخوردار نبوده و در سیر کمال خویش با بحران‌های متعددی مواجه گردد. پرخاشگری، بی اعتنایی در روابط انسانی، بی‌حسی روزافزون وجدان‌های اخلاقی، قساوت و انواع صفات رذیله و بزهکاری که به صورت‌های مختلف از فرد بروز می کند، نیازمند درمان است. برخورد تنگ نظرانه با این گونه منش‌ها و کنش‌ها و واکنش‌ها می‌تواند نه تنها درد را درمان نسازد بلکه بر تداوم و افزایش آن نیز تأثیر سوء بگذارد. برخی بر این گمان هستند که این گونه رفتار فردی و جمعی نشانگر باطن خبیث و ذات ناپاک انسان می‌باشد که به وراثت به فرد منتقل شده و جز به تیغ مجازات قابل درمان نیست؛ در حالی که وقتی به دقت این مسایل مورد بررسی قرار گیرد، آشکار می‌گردد علل دیگری که در پس این مسایل وجود دارد، باید مورد شناسایی و تحلیل قرار گرفته و در نهایت با ارایه راهکاری با آن‌ها مقابله شود.

دنیای کنونی بیشترین سرمایه‌گذاری را روی پیش‌گیری از وقوع جرم نهاده است ولی اگر جرمی اتفاق افتد، در اینجا وارد مرحله‌ی اتهام و مجرمیت شده‌ایم. در این مرحله لازم است بیشترین توجه ما روی درمان باشد و با تمام امکانات از دانش‌های دیگر سود ببریم به هرحال در این مرحله درمان شاید نقش کمرنگی در بازسازی افراد داشته باشد، اما موثراست. هر چه جلو می‌رویم روش‌های درمان پیشرفته‌تری ابداع می‌شود و ما نیز بایستی همگام با دانش روز از این روش‌ها در سیستم‌های قضایی خود استفاده کنیم.

بطور کلی روان‌پزشکی کیفری علی رغم وجود کمبودهایی که از بازتابی فقدان قوانین کیفری نشات می‌گیرد، توانسته است گامی علمی، در جهت اصلاح مشکلات زیر بردارد:

۱- کمبود بسیار محسوس در امر پژوهش در زمینه مجرمین و بویژه پیرامون شرایط بدنی، روانی و اجتماعی قوانین؛

۲- عدم همکاری علمی میان روان‌شناس و روان‌پزشک، جامعه شناس و قانون‌شناس پیرامون مشکل بزهکاری و تدوین و اجرای قوانین بویژه برای گروه بزهکار با توجه به آینده بزهکار در زندان یا خارج از زندان؛

۳- تبدیل فلسفه مبتنی بر مجازات به فلسفه درمان و راهنمایی بزهکار؛

۴- ارائه طریق برای پیشگیری بزهکار بویژه نوجوانان؛

۵-گسترش آموزش قانون‌شناس در رفتارشناسی و آشنا کردن او با پویایی‌های رفتار بزهکارانه؛

۶- استفاده از نیروهای تخصصی روان‌شناس روان‌پزشک جامعه‌شناس در محیط زندان به منظور اصلاح درست و سودبخش رفتار بزهکاران؛

۷- آموزش عمومی با هدف تغییر عقاید تعصب‌آلود و جرم‌گرایانه مردم درباره بزهکار از طریق سازمان‌های ذیصلاح و مسئول و بویژه رسانه های گروهی؛

در بعضی از نظام‌های حقوقی، تشکیل پرونده شخصیت به صراحت از سوی قانون‌گذار در مورد قانون آیین دادرسی کیفری ذکر شده است. به عنوان نمونه، در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه اصلاحی ۱۹۹۳ طی بندهای بند ۶ و ۷ ماده ۸۱، تحقیق و تشکیل پرونده شخصیت در مورد متهم در خصوص جرایم از درجه جنایی اجباری بوده و در مورد جرایم جنحه‌ای، اختیاری اعلام شده است.

با مطالعه منسجم و پیوسته پرونده شخصیت در حقوق جزا و جرم شناسی و تبیین کیفیت تاثیرگذاری این

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-01]

پدیده بر نهادهای عدالت کیفری، این نتیجه بدیهی بدست می‌آید که اتخاذ هرگونه سیاست جنایی کارآمد و مفید بدون توجه به شناخت اختلال‌های شخصیت مجرمان، ریشه‌یابی و درمان آن امکان پذیر نیست. مجازات بزهکاران، آن گونه که مورد تاکید قانونگذاران کیفری قرار گرفته است، دارای بار مالی فراوان و نتایج زیان باری همچون ازدحام جمعیت زندانیان، پذیرش فرهنگ زندان، از هم گسیختگی نهاد خانواده و سلب امکان ارتباط مولد بزهکار با اجتماع و ... است که بدون توجه به آنها نمی‌توان به تنظیم قوانین کارآمد و موثر اقدام کرد.

مبارزه با بزهکاران صرفاً با استفاده از ابزار کیفری، موفق نیست برای این منظور باید با روش‌هایی که به نوعی در باز اجتماعی کردن بزهکاران و اصلاح شیوه تفکر و اندیشه آنها از یک طرف و افزایش کارآیی و مهارت‌های زندگی آنان از طرف دیگر تکیه دارند، تأکید ورزید.

پرونده شخصیت از دستاوردهای جرم‌شناسی است، که از مجموعه اطلاعات شخصی و خانوادگی مجرمان در دستگاه قضایی تشکیل می‌شود و هدف آن دستیابی به اهداف مجازات‌ها و به علاوه فردی کردن تطبیق اعمال مجازات بر شخصیت فرد است، عوامل مهمی مانند جنس، حسن‌سابقه، سوءسابقه، سابقه محکومیت کیفری، وضعیت جسمانی، روانی، اقتصادی، خانوادگی، اجتماعی و ... از مؤلفه‌های لازم برای تشکیل آن به حساب می‌آیند. با توجه به قانون مجازات اسلامی تازه تصویب و روی آوردن آن به دستاوردهای نوین جرم شناختی که در بخش کلیات آن بیشتر به چشم می‌آید، به نظر می‌رسد که قانونگذار به صورت تلویحی لزوم تشکیل پرونده شخصیت را پذیرفته است و صرفاً دلیل عدم الزام رسمی دادگاه‌ها به تشکیل آن را جلوگیری از تحجیم کار در مراجع قضایی می‌توان جست‌وجو کرد، هرچند دلیل مذکور از نظر نگارنده مقبول نیست و باید دادگاه‌ها ملزم به تشکیل این پرونده می‌شدند، ولی قانونگذار از الزامی‌کردن آن خودداری کرده است. به هر حال در ادامه به برخی نمونه‌هایی که وجود پرونده شخصیت لازم به نظر می‌رسد بیان می‌شود که از آن دست می توان به بند ت ماده ۱۸ که بیان می‌دارد: سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تأثیر تعزیر بر وی، ذیل ماده ۲۴ در جایی که می‌گوید: «... بعد از گذشتن نیمی از مدت مجازات تکمیلی، دادگاه می‌تواند با پیشنهاد قاضی اجرای حکم در صورت اطمینان به عدم تکرار جرم و اصلاح مجرم، نسبت به لغو یا کاهش مدت زمان مجازات تکمیلی وی اقدام کند» که به نظر می‌رسد کسب اطمینان از عدم تکرار جرم با بکارگیری سوابق فرد که در پرونده شخصیت وی قابل جست و جو است ممکن خواهد بود یا ماده ۳۹ که اشعار می‌دارد: «... تشخیص دهد که با عدم اجرای مجازات نیز مرتکب، اصلاح می‌شود، که این خود نیز نیازمند اطلاع از میزان عبرت آموزی فرد است که از سوابق وی قابل سنجش است که این سوابق نیز در پرونده شخصیت قابل دستیابی است». از سوی دیگر ماده ۴۰ حاکی از این است که دادگاه می‌تواند پس از احراز مجرمیت متهم با ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم شده است، که سوابق فردی و خانوادگی در پرونده شخصیت قابل کشف است، همچنین بند «ب» ماده ۵۸ نیز اشعار می‌دارد: حالات و رفتار محکوم نشان دهد که پس از آزادی، دیگر مرتکب جرمی نمی‌شود. موارد فوق همگی نمونه‌هایی از لزوم بررسی سابقه خانوادگی و فردی شخص و تاثیر شخصی مجازات بر فرد است که صرفاً با تشکیل پرونده شخصیت قابل تعیین و ارزیابی است. از سوی دیگر با توجه به نسخ صریح قانون اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب سال ۱۳۳۹ توسط این قانون و تحمیل بار آن قانون براین قانون به نظر می‌رسد که باید قانون جدید کارایی بیشتری از قانون سابق داشته باشد و گامی به جلو باشد.

نتیجه کلام اینکه، در نظام حقوقی ما، بررسی پیرامون شخصیت مجرم تنها در مرحله اجرای حکم صورت می‌گیرد در حالیکه تشکیل چنین پرونده‌ای در مرحله اتهامی یعنی تحقیقات مقدماتی امری ضروری بوده تا در این راستا بتوان در راه اصلاح و بازسازگاری مجرمین و تعیین مجازات متناسب با شخصیت بزهکاران و اصل فردی کردن مجازات‌ها اقدامات مؤثر و مفیدی را انجام داد.

امید است که با تصویب موادی در قانون آئین دادرسی کیفری برای نیل به اهداف فوق الذکر میسر و امکان‌پذیر گردد.

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-01]

References

1- Hasanzadeh S. In translation of Tohafol oghoul. Ebne Shobeh, Hasanebne A. (Author). 1th ed. Qom: Al-e-Ali Aleih-e-Salam; 1382. 50. [Persian]

2- Personality. Amid.h encyclopedia.Vol (2),1 s.t ed. 2537, Tehran: Amirkabir press. ; p.1295 [Persian]

3- Shamloo S. Doctrine and theories in personality psychology. 10th ed. Tehran: Roshd press; 1390. 85. [Persian]

4- Sotoodeh H. Social Pathology (Sociology of deviance). 8th ed. Tehran: Avaye Noor press; 1380. 106. [Persian]

5- Siacy A. Theories of Personality. 2th ed. Tehran: Institute of Tehran University Press; 1372. 220. [Persian]

6- Sotoodeh H, Mirzaei B, Pazand A. Criminal Psychology. 3th ed. Tehran: Avaye Noor press; 1381. 77. [Persian]

7- Seyed Mohammadi Y. In translation Abnormal Psychology Psychopthology. David L. Rosenhan, Martin E .P. Seligman (Author). Vol (2), 15th ed. Tehran: Savalan Press; 1391. 327 [Persian]

8- Ebrahimi A. Personality dossier in criminal process. 1th ed. Tehran: Fekrsazan press; 1389. 61. [Persian]

9- Zeraat A. Summary of the Penal Code. 1th ed. Tehran: Shemshad press; 1392. 123-147. [Persian].

10- Selahi J. By and basics Criminology.2th ed.Tehran: Javedaneh jungle Press; 1388. 5 [Persian]

11- Parviz S. In translation of Criminal Psychology. Abrahesman D. (Author). 2th ed. Tehran: Ganje Danesh Library; 1371. 284. [Persian]

12- Pinatel J. Tratie elementaire de science penitentiaire et de defese sociale. Paris: 1950, 395

13- Schemelck R, Pica G. Penologie et droit penitentiaire. Paris; 1975, 235.

14- Akhoondi M. Criminal Procedure. Vol (1), 12th ed. Tehran: Majd press; 1385. 146-156. [Persian]

15- KHaleghi A. Criminal Proedure. 21th ed. Tehran: Danesh Press; 1392. 43. [Persian]

16- Najafi - Abrand Abadi A . In translation Penology, Bouloc B (Author). 4th ed. Tehran: Majd Press; 1384. 90. [Persian]

17- Bakhshizade-Ahari A. New developments and approaches to the new Penal Code. 3th ed. Tehran: Andishe-ye-Asr Press; 1392. 26- 88. [Persian]

18- Noorbaha R et al. Mitigate the severity of punishment "Punish discounts". Shahid Beheshti University Law Journal; 1380. no 39. [Persian]

19- Jamali H. Mitigated circumstances [dissertation]. (Mo) Tehran University: Faculty of Law and Political Science; 1379. [Persian]

20- Noorbaha R. Field of criminology. 3th ed. Tehran: Ganj-e-Danesh press; 1383. 75. [Persian]

21- Mohammadeyan S. Personality dossier necessity in criminal process [dissertation]. West Azarbayjan:(Mo) Islamic Azad University: Faculty of law and political science; 1392. [Persian]

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-01]

Personality Dossier Necessity in Iran Criminal Process

Sara Mohammadian†*- Babak Mohammadrezapour**

* MA in Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Science and Research Branch, West Azarbayjan, Urmieh, Iran
** PhD in Criminal Law and Criminology, Assistant Professor, Islamic Azad University, Science and Research Branch, West Azarbayjan, Urmieh, Iran

Abstract

Character is a set of apparent and non-apparent characteristics of one`s behavior that has more stability and manifestations and somewhat predictable. Traditionally, there are disagreements for determinism and authority, some have the full authority, some were fatalists, and the third group respects to the important role of criminal in penal process by reject the recent theories. Recent theory fans necessarily emphases to study the criminal character beside mading a file called "personality identification dossier". Personality dossier contains the results of studies and medical tests, psychology, psychiatry, and social studies about convicted and sentenced ones.
In Iran's criminal law, some rules such as Articles of 18, 37, 38, 43, 60, 64, 152, 188, etc, Islamic penal code Act of 1392 and Article of 222 from criminal procedure, implicitly, and Articles of 47 and 64 from prisons executive regulation and the country Security and Educational actions, Act of 2005 in the stage of implementing prison sentence, explicitly, addressed to mading personality identification dossier. Field studies conducted in prisons and rehabilitation centers in the country, as evidence that scientifically – practically not making such a document. Different factors impede the proper exercise of judicial decisions and legal establishment in Iran that generally could pointed as Legal, judicial and obstacles barriers. The only way to overcome these impediments is collaborative effort by the three branches (include legislative, executive, and judicial).
Keywords: Personality Traits, Personality Dossier, Criminal Punishments, Criminal Process, Modification and Treatment, Rehabilitation

Received**:** 19 June 2013 Accepted: 1 Sep 2013

†**Corespondence**: Islamic Azad University, Science and Research Branch, West Azarbayjan, Urmieh, Iran. Tel: 0311-2603307 ، saramohammadein@ yahoo.com

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-01]